

کوتاه از دیپلماسی

اتحادیه اروپا:

### حرف مکرون درباره عربستان موضع شخصی است

● **یورونیوز فارسی**: اتحادیه اروپا، روز دوشنبه سخنان امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه درباره حضور عربستان در مذاکرات هسته‌ای با ایران را «موضع شخصی» وی دانست و تأکید کرد که اتحادیه اروپا «به برجام کنونی پایبند است». مکرون روز شنبه گفته بود که در مذاکرات برجام باید «سختگیرانه‌تر عمل بشود» و «کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی هم در این مذاکرات مشارکت داشته باشند». در همین راستا یورونیوز در بروکسل از پیترا استانو، سخنگوی اتحادیه اروپا پرسید که تا چه حد مواضع فرانسه به رویکرد اتحادیه اروپا در برجام نزدیک است. پیترا استانو در پاسخ به این سؤال ابتدا گفت که در مقام سخنگوی اتحادیه اروپا قصد ندارد درباره سخنان یکی از رهبران اروپایی اظهارنظر کند؛ چراکه سخنان اشخاص ربطی به سیاست‌های مشترک «اتحادیه اروپا» ندارد. وی تأکید کرد که اتحادیه اروپا به‌عنوان میانجی اصلی مذاکرات برجام در سال ۲۰۱۵، همچنان «قاطعانه تأکید دارد که این توافق زنده بماند و حفظ شود».

### گفت‌وگوی بوررل و بلینکن با محوریت ایران

● **ایلنا**: خبرنگار وال‌استریت ژورنال از گفت‌وگوی وزیر امور خارجه آمریکا و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با محوریت ایران خبر داد. لارنس نورم در توییتی نوشت: «پیترا استانو سخنگوی سیاست خارجی اتحادیه اروپا امروز تأیید کرد که آنتونی بلینکن و جوزپ بوررل درباره احیای توافق هسته‌ای ایران گفت‌وگویی داشته‌اند».

**نماینده روسیه:**

### تعامل اروپا و روسیه درباره برجام ادامه دارد

● **ایسنا**: نماینده روسیه در وین در گفت‌وگوی بر ادامهٔ تعامل اتحادیه اروپا و روسیه درباره توافق هسته‌ای تأکید کرد. ولادیمیر جیژوف، نماینده دائمی روسیه در اتحادیه اروپا در گفت‌وگوی با خبرنگاری اسپوتنیک گفت که روسیه امیدوار است روابط با اتحادیه اروپا به دنبال سفر جوزپ بوررل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به این کشور گرم‌تر شود. جیژوف افزود که روسیه و اتحادیه اروپا روابط خود را در زمینه تجارت، سیاست و اجرایی‌شدن توافق هسته‌ای حفظ کرده‌اند. پیش از این صفحه توییتر هیئت روسیه در وین نوشته بود که موضوع برجام از موضوعات مورد گفت‌وگو در سفر ماه فوریه بورل به روسیه خواهد بود.

### ۱۵ ملوان آزاد شده از هند وارد کنارک شدند

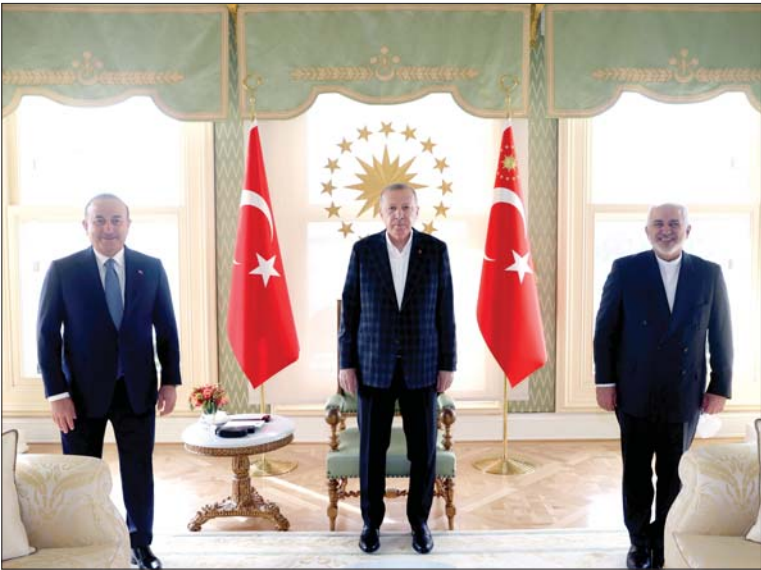
● **ایرنا**: رئیس دفتر نمایندگی وزارت امورخارجه در منطقه آزاد چابهار گفت: ۱۵ ملوان ایرانی ساکن جنوب سیستان وبلوچستان پس از ۱۰۵ سال تلاش و رایزنی در دهلی نو اوایل هفته آزاد و پس از بازگشت به میهن اسلامی دوشنبه وارد شهرستان کنارک شدند. حمیدرضا طوسی در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: این ملوانان ایرانی ساکن سیستان وبلوچستان حدود یک‌ونیم سال پیش به علت خرابی لنج و ورود به آب‌های سرزمینی هند توسط گارد ساحلی این کشور دستگیر و زندانی شده بودند که بعد از این موضوع و با پیگیری‌های به‌عمل‌امده توسط وزارت امور خارجه، سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو و دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در منطقه آزاد چابهار آزاد شدند. وی گفت: طی یک‌ونیم سال گذشته سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی و نیز سرکنسولگری کشورمان در حیدرآباد هند تلاش‌های زیادی را برای آزادی زندانیان انجام داد و در این راستا دیدارها و ملاقات‌های بسیاری با مقامات دولتی و قضاتی این کشور توسط سفیر کشورمان انجام شد. رئیس دفتر نمایندگی وزارت امور خارجه در منطقه آزاد چابهار ادامه داد: با آزادشدن این ملوانان و برگشت آنان به کشور حدود هشت زندانی در آن کشور داریم که می‌توانیم با پیگیری‌های در حال انجام موجب تسریع در فرایند رسیدگی قضایی به پرونده آنان و شاهد آزادی همه ملوانان باشیم. وی اظهار کرد: صیادان باید توجه داشته باشند رفتارهای مجرمانه و همچنین تجاوز به حریم و قلمرو آب‌های ساحلی کشورها جرم محسوب شده و مشکلاتی را برای خود، خانواده و همچنین دستگاه دیپلماسی کشور به وجود خواهند آورد و لازم است در این زمینه آموزش‌های لازم توسط دستگاه‌های ذربط به آنان داده شود. طوسی گفت: براساس آخرین آمارها هزارو ۲۶۵ فروند قایق فایبرگلاس، ۱۶۳ فروند قایق چوبی، ۴۳۶ فروند لنج پختی و ۵۲۴ فروند لنج سردخانه‌دار با ۲۱هزارو ۷۸۱ نفر صیاد دائمی و فصلی در قالب ۳۴ تعاونی صیادی در حوزه ادارهکل شیلات سیستان وبلوچستان فعالیت دارند.

## دیپلماسی

بررسی تحلیلی تور قفقازی ظریف در گفت‌وگو با کارشناس مسائل منطقه:

# در بازی‌های بزرگ منطقه جا مانده‌ایم

دستمالی؛ زمان آن رسیده که مبانی کارکردن با کشورها را یاد بگیریم



روح‌الله نخعی؛ سفروزیر خارجه ایران به منطقه قفقاز، در وهله اول سفری سیاسی بود. اگرچه ایران با اکثر کشورهای مقصد این سفر، تعاملات و پرونده‌های مشترک بسیاری دارد، اما مشخص بود که محمدجواد ظریف، به دلیل تحولات اخیر قفقاز در نتیجه جنگ قره‌باغ، پیروزی جمهوری آذربایجان روی زمین و توافق‌های انجام‌شده متعاقب آن، راهی دیدار و رایزنی با این مجموعه از همسایگان شده است تا جایگاه ایران و تعاملاتش را در صحنه جدید شناسایی و مشخص کند.

اما علاوه بر ابعاد سیاسی و دیپلماتیک این سفر و شاید در بن این اهداف، تور قفقازی ظریف تا حد زیادی با پس‌زمینه‌های اقتصادی و تجاری دنبال شد. از یک نگاه، مهم‌ترین اثر تحولات اخیر در منطقه، تغییر آرایش مسیرهای ترانزیتی در این نقطه کلیدی بود که پیامدهای بالقوه و بالفعل متعددی برای ایران دارد. در پایان این تور، محمدجواد ظریف به نخچوان رفت و آنجا از طرحی برای وصل‌کردن خلیج فارس به دریای سیاه صحبت کرد که طرح بزرگی خواهد بود؛ با نیاز به نقش آفرینی و توافق همسایگان ایران. پروژه بزرگی که ظریف به آن اشاره کرد، به همان اندازه که نیازمند تحرکات و اقدامات گسترده از سوی ایران است، نیاز به همکاری و هماهنگی گسترده از سوی همسایگان و بازیگران دیگر منطقه نیز دارد. پروژه دیگری که ظریف از آن صحبت کرد، ایده همکاری شش‌جانبه بود که البته پیش‌تر در دیدار رؤسای جمهور ترکیه و جمهوری آذربایجان مطرح شده بود، اما ظریف هم حمایت ایران از آن را اعلام کرد. این پروژه شاید از نظر داخلی برای ایران به اندازه پروژه دیگر سنگین نباشد، اما در تعاملات منطقه‌ای، فرایند سنگینی است که به همان اندازه که پتانسیل‌های بالایی دارد، تعاملی جدی بین کشورهای قفقازی را می‌طلبد که به همین تازگی خود را دور یک میدان جنگ دیده‌اند.

سؤال اینجاست که این ایده‌ها و ایده‌های مشابه تا چه حد عملی خواهند بود و چه چشم‌اندازی دارند. محمدعلی دستمالی، کارشناس مسائل منطقه، نگاه چندان خوشبینانه‌ای به این ایده‌ها ندارد. او در گفت‌وگو با «شرق» مشکلات و نواقص اساسی در رویکرد اقتصادی و تجاری ایران در صحنه روابط خارجی را در قالب مانهی برای پیشرفت تلاش‌های این چنینی از سوی ایران معرفی می‌کند. به اعتقاد دستمالی، ایران در اصول و قواعد تعامل تجاری و اقتصادی با کشورهای دیگر دچار ضعف است و در نتیجه، هم توانایی خودش را در چنین تعاملاتی محدود می‌بیند و هم تمایل دیگر کشورها را. از نگاه این کارشناس، ایران بیش از حد به سوابق و جایگاه خود تکیه کرده و لازم است هوشیارانه‌تر متوجه صحنه باشد و فعلاانه‌تر در زمینه رفع نقایص اقدام کند.

و دولت در حال رفتن هستند.

● **نکته دیگری که در این سفر مطرح بود، تلاش برای برقراری تعاملات تجاری و اقتصادی جدید و احیا یا تقویت مسیرهای ترانزیتی برای ایران بود. در بستر فعلی فکر می‌کنید ایران تا چه حد بتواند در این زمینه موفق باشد؟**

اهمیت آن نصدی که مربوط به گذر کالا و محصولات از دریای سیاه به خلیج فارس و مسیر برعکس باشد، قابل درک است و ایران می‌تواند مسیر خوب و مطلوبی در اختیار واردکنندگان و صادرکنندگان شمال و جنوب بگذارد؛ اما دو زیرساخت حیاتی برای رسیدن به چنین موقعیتی لازم است. نخست، ارتقای روابط سیاسی با کشورهای هر دو سوی این دو قطب. دوم زیرساخت مالی و ترانزیتی. در شرایط فعلی ما با کشورهای حاشیه خلیج فارس روابط چندان امیدبخشی نداریم و در آن راه به این شکل به چالش کشید: اگر قرار باشد برداشتن سایه تحریم‌های آمریکا و تلاش برای ماندن در نظام بین‌الملل، یگانه اولویت همیشگی کشورمان باشد، اساسا پس چه زمانی می‌توان برای مسائل و اولویتهای دیگر برنامه‌ریزی کرد و قدم برداشت؟ ما که در این دیدارها حضور نداشته‌ایم و در جریان بخش منتشرنشده اظهارات پنج کشور میزبان نیستیم، اما دست‌کم براساس موضوع آشکار میزبانان، می‌توانیم این واقعبت را درپاییم که به‌احتمالا کسی ایده و پیشنهاد اتصال دریای سیاه به خلیج فارس را اجرائی و بوروکراتیک ما هم می‌سود، می‌دانند که آقایان روحانی و ظریف دارند می‌روند و نمی‌توان با دولتی که در حال بستن چمدان است، معامله کرد. دوم اینکه اساسا خطوط انرژی، ترانزیت کالا از آسیای میانه و قفقاز به سمت دریای سیاه و دیگر مناطق هم‌الان که هم‌روندهای خاص و پویای خودش را جدی گرفته است، چراکه از بینبید ترک‌ها چگونه برای رسیدن به چین، خودشان را به آب و آتش زدند. نگاه کنید و بینبید تاناپ و ترک استریم چه تأثیر شگرفی بر دیپلماسی انرژی گذاشت. نگاه کنید و بینبید در دوران کنونی پس از پیروزی جمهوری آذربایجان در قره‌باغ، چه معاملات نوبنی بین روسیه، ترکیه و جمهوری آذربایجان شکل گرفته است؛ بنابراین تا زمانی که ما به شکل جدی، بخشی از بازی بزرگ نباشیم، این ایده‌های قشنگ، روی کاغذ یا در آرشمیو توییتر می‌مانند. باید باور کنیم که حتی آرزوها نیز تاریخ انقضا دارند. تحقق رویاهای سیاسی و ژئوپلیتیک، چیزی نیست که فقط در زود داشته باشد. اتفاقا سوخت‌وسوز هم دارد. شاید آقای ظریف هم به سنت اسلاف عمل کرد و

این رویا را در روزهایی مطرح می‌کند که خود ایشان فرض در ۱۰ سال پیش‌رو هر سال دو میلیارد دلار

ادامه از صفحه اول

### سرگردانی جهان و آینده ایران

آنچه امروز به نام سازمان ملل متحد خوانده می‌شود، گونه‌ای از یک باشگاه سیاسی است که پنج قدرت جهانی بر آن مسلط هستند: آمریکا، چین، روسیه، بریتانیا و فرانسه و بقیه ول‌معتل‌اند. کره جنوبی یک قدرت بزرگ فناوری است اما توان علمی و زورش به کشورهای مورد اشاره نمی‌رسد. هند دارد کم‌کم برمی‌خیزد، اما چین روی آن سایه افکنده است. در خاورمیانه، نیروهای صلیبی گذشته امروز به‌صورت آمریکا، فرانسه، روسیه و انگلیس با هم رقابت سیاسی دارند. از این چهار کشور، انگلیس رو به افول است اما روسیه میاز می‌طلبد. فرانسه هنوز عاشق لبنان است.ترکیه، همسایه خودمان، به دنبال احیای امپراتوری عثمانی است، یعنی قدرتی که از دریای سرخ تا دریای مدیترانه را در چنگال خود داشته باشد. رقیب ترکیه در این تصویرسازی روسیه است که برای دستیابی به آب‌های مدیترانه همان آرزویی را دارد که تزارهای روسی را تشویق به تصرف سرزمین‌های ایران در غرب دریای خزر کرده بود. ایران در همه دوره‌های اشاره‌شده بیشتر حالت دفاعی داشته تا تهاجمی و بیشترین صدمات را پس از سقوط صفویه به از دست‌دادن سرزمین‌های پیرامونی خود دیده است. امروز کشورهای غربی -اعضای ناتو- هم کشورهای مورد اشاره را در چنگال خود دارند و در آنها پایگاه‌های نظامی استوار کرده‌اند. در مجموع، این همان روحیه بشر است که در برابر دیدگان اشک‌آلود حامیان «حقوق بشر» قرار گرفته است! متأسفانه داستان توحش و برده‌کشی نه‌تنها فراموش نشده بلکه تقویت هم شده است.

در این هرج‌ومرج جهانی تکلیف ایران چیست؟ انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی در زمانی صورت گرفت که شوروی به‌عنوان قوی‌ترین رقیب غرب هنوز بر سر کار بود. حضور فیزیکی غرب در ایران در راستای خط دفاعی ستو بود که به‌صورت کمربند حمل‌ونقل و شبکه راداری در سراسر مرزهای شمالی ایران ایجاد شده بود. حضور حدود پنجاه هزار مستشار نظامی آمریکا در ایران همراه با تصویب قانون کاپیتالاسیون، منافع غرب به‌ویژه آمریکا را در ایران محفوظ می‌داشت. آمریکا با وقوع انقلاب اسلامی از ایران بیرون رانده شد. این رویداد را نباید دست‌کم گرفت، زیرا روسیه در آن مقطع از خلا ایجادشده بیشترین سود را برد و در نبود آمریکا، افغانستان را اشغال کرد. روسیه پوتین همان مسیر را می‌پیماید که تزارهای روسی در بی آن بودند. حرکت اخیر در غرب دریای خزر که شمار قابل توجهی از راه‌های ارتباط تجاری ایران به کشورهای همسایه را بست، برای ایران قابل پیش‌بینی نبود. ایران باید حواس تاریخی خود را بیش از این جمع کند و به مدیترت در حفظ آنچه از باقی اوق ماندن است بپردازد.

ادامه از صفحه ۲

### بهبود شرایط مردم به‌جای آب و برق مجانی

به نظر مشکل اساسی از آنجا برمی‌خیزد که در گفتمان قانونی از یک سو اقتصاد «وسيله» تلقی می‌شود و نه «هدف» (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و از سوی دیگر، طبق اصول سوم، چهل‌وسوم و… حجم عظیمی از وظایف دولت در رفع فقر و محرومیت، تأمین تغذیه، بهداشت، مسکن، آموزش و پرورش، بیمه و… تعریف شده است که با نگرش فرعی دانستن «اقتصاد» همخوانی ندارد. همین خطای راه‌بردی و نگاه غلط به جایگاه و نقش اقتصاد در ایجاد جامعه‌ای پیشرفته و مرفه و تقلیل‌دادن نقش دولت به توزیع ذخایر و دارایی‌ها (اضمحلال منابع) نتیجه‌ای جز رشد حدود دودرصدی، تورم ۲۰درصدی، بی‌کاری بالای ۱۰درصدی و… در چهار دهه اخیر در نداشته است. در چارچوب این نگرش، اقتصاد کشور هر روز کوچک‌تر و جامعه فقراتر و بی‌ضاعت دولت‌ها برای انجام وظایف اجتماعی‌شان، آن‌چنان‌که قانون اساسی بر عهده آنها گذاشته، محدودتر شده است. راه خروج از این تله و بن‌بست، نه توزیع آب، برق، گاز و شاید نان و لباس مجانی و… یا چندبرابرکردن یارانه‌ها (از ۹۱ تا ۲۶۸ هزار تومان در بودجه سال آتی) از محل دارایی‌ها و ثروت‌های بین‌نسلی و ورشکستگی نظامات بازنشستگی و تأمین اجتماعی و بانکی و حتی آب و محیط‌زیستی و… بلکه ارزش و اعتباربخشیدن به اقتصاد و رقابتی‌شدن آن با فراهم‌آوردن امکان مشارکت جامعه در اداره آن است. زنجیره‌ای که از تأمین حقوق مالکیت و آزادی‌های اساسی و سیاسی و رقابتی برابر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و کمک به کارکرد بهتر سازوکار بازار از طریق تقویت و گسترش رقابت و مشارکت اقتصادی و اجتماعی مردم و رفع اختلالات قیمتی و عدم مداخله مستقیم دولت در سازوکار بازار و حذف رانت‌ها و انحصارات دولتی تا گسترش خدمات اجتماعی (آموزش، بهداشت، بهداشتی و…) و گسترش بیمه‌های اجتماعی و اجرایی برنامه‌های حمایتی از کودکان و سلامت مادران و اصلاح نظام یارانه‌ای و افزایش چتر حمایتی برای گروه‌های فقیر، سالمندان و ناتوانان شغلی را دربر می‌گیرد. موفقیت در بهبود حلقه‌های این زنجیره و تولید ثروت، جای خشودی، تریک و… دارد و نیازی به توزیع فقر نیست.

● **نکته دیگری که در این سفر مطرح بود، بحث طرح همکاری شش‌جانبه بود که البته توسط دیگر مقامات منطقه مطرح شده بود اما استقبال ایران در این سفر نسبت به آن ابراز شد. فکر می‌کنید چنین توافق همکاری‌ای در منطقه اجرائی شود؟**

اگر بشود تا چه حد در کاهش تنش‌های بالقوه و افزایش تعاملات مثبت تجاری مؤثر خواهد بود؟ معتقدم پاسخ رندانه چاوش اوغلو، این واقعبیت را نشان داد که صحبت از همکاری شش‌جانبه، بسیار خوشبینانه است. چاوش اوغلو، فرمول ۳+۳ را مطرح کرد، یعنی چه؟ یعنی ترکیه و آذربایجان و روسیه یک طرف، ایران و گرجستان و ارمنستان یک طرف. این نگرش، دقیقا به این معنی است که ترکیه و احتمل روسیه و آذربایجان نیز، معتقد به یک مشارکت همسان نیستند و یک را به شکلی نخواهند برید که این شش کشور، دستاوردهای همسان داشته باشند. اما درحرحال، کسی که دونده خوبی باشد، خوب می‌داند که نتیجه مسابقه را نمی‌توان به‌صورت قطعیانه، از قبل اعلام کرد. ترکیه درحال‌حاضر با جمهوری آذربایجان و روسیه، منابع خاصی دارد و قطعا از پیروزی باکو سرمست است. اما فرمول هرچه باشد ۳+۳ یا حتی ۱+۵ یا هر شکلی که مطرح شود، مهم نیست، چیزی که اهمیت دارد، این است که خود ما تا چه اندازه آماده دیدن هستیم و مثلا در کار تجارت و ترانزیت و توریزم، برنامه‌ریزی روشن و آمادگی داریم یا نه.

● **سفر آقای ظریف مشخصا تلاش ایران برای تعامل با قفقاز جدید بعد از جنگ اخیر قره‌باغ بود اما برخی منتقدان می‌گویند این توجه دیر هنگام رخ داد و ایسران باید زودتر از اینها متوجه روند اتفاقات می‌شد یا بعد از شروع درگیری‌ها نقش فعال‌تری ایفا می‌کرد؟ شما با این نقد موافقت؟ و فکر می‌کنید ایران می‌توانست فعال‌تر باشد؟**

معتقدم که واکنش‌ها دیرنکام صورت گرفت. نباید برای تأکید بر حقوق باکو، تا این اندازه تغل می‌شد. جمهوری آذربایجان، همسایه مهمی است و باید قبل از این تحولات، رابطه را به سطح بهتری می‌رسانیدیم. ضمن اینکه اظهارات عجیب‌وغریب زیادی هم شنیدیم. گاهی شاهد گاردها و گفته‌های بی‌اساسیم. ضمن اینکه اظهارات عجیب‌وغریب زیادی هم شنیدیم. گاهی شاهد گاردها و گفته‌های عجیب بودیم که مثلا چرا الهام علی‌اف به شیعیان میدان فعالیت نمی‌دهد، قرار نیست چون دولت این کشور، چندان توجهی به مسائل دینی ندارد، گمان کنیم که نمی‌تواند در کنار ایران باشد. این اظهارات، منطق یا منطقی بین‌الملل نیست.

مگر همان سوریه و تیم بشار اسد، خیلی رفتار دینی دارند؟ خیلی وقت‌ها این تعدد مواضع، اعتبار کشور را پایین می‌آورد. حتی دیدیم که فرزانه‌ای از تیم ریاست جمهوری، بعد از مواضع روشن رهبری و وزارت امور خارجه و بعد از پایان جنگ، در واکنش به شغری که اردوغان خواند، اظهار حسرت کردند که ای کاش از همان اول، پشت ارمنستان را می‌گرفتیم! این حرف‌ها منطقی نیست، واقعبیت این است که از همان اول، برهیز از مداخله مستقیم، انتخاب معقولی بود. ایران بنا به دلایل بسیار، نمی‌توانست نتیجه این جنگ را به سمت دیگری ببرد. اما زمان سفر آقای عراقچی، زمان سفر آقای ظریف، نهایی‌کردن مواضع، متحوای بسته‌های پیشنهادی و مسائلی از این دست، همگی نشان‌دهنده تغل ایران قدرتمندی را تداعی می‌کند که سال‌های سال هم محل آمدورفت توده، هم خریدار بوده و هم فروشنده؛ اما اینکه به وقت کنون، روابط خارجی ما و تجارت خارجی ما چه وضعیتی دارد،

این را باید بررسی و آسیب‌شناسی کرد؛ بنابراین ما نه مشکل موقعیت جغرافیایی داریم، نه معضلی به نام ناآشنایی با تجارت و نداشتن پیشینه تاریخی، در سنگ تجاری و عملیات بانکی، مانند گذرگاه شمال به جنوب و طرح یک کمربند یک جاده، باید کار مبانی

و اصولی انجام داد.

از تقویت روابط دیپلماتیک گرفته تا ایجاد انگیزه برای بازارهای مقصد. باید به بخش خصوصی مطمئن‌ان خاطر داد که پایا کار بیاید. متأسفانه، بسیاری از تجار و فعالان صنعتی و بازرگانی دلسوز ایرانی در بخش خصوصی، صنعت و تجارت را رها کردند و تسلیم شدند؛ چراکه دلال‌پروری، عدم حمایت از تولید، رانت‌های وارداتی، قدرت بدون مرز آقازاده‌ها، سواست‌استفاده‌های ارزی، قاچاق، دردرسهای کم‌رکی، مفضلات مرتبط با تحریم و عملیات بانکی، عدم آمادگی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ما در کشورهای خارجی، اینها مجموعا شرایطی پدید آورده که تجارت خارجی ایران را آسیب‌پذیر کرده است. اگر اراده و استراتژی روشنی برای حل این معضلات داشته باشیم، می‌توان با کشورهای مورد بحث این مسائل که اولاً مسئله اصلی‌مان را با فراموش نکنیم ترکیه و کشورهای دیگر، برای کار با افغانستان و پاکستان، نیازمند اتصال به شبکه‌ی ریلی ما هستند و در جنوب ایران نیز، خلیج فارس یک نقطه اتصال بسیار ارزشمند است. اما همه این مزیت‌ها زمانی می‌تواند کارگر و مفید باشد که برنامه روش و اراده حقیقی داشته باشیم. در این سال‌ها ما مداوما به دنبال تجارت با اروپا بوده‌ایم اما در همین منطقه خودمان کار خاصی نکرده‌ایم.

